طراحی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا براساس بیع مرابحه*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/٤/۱۵ تاریخ تأیید: ۱۳۸۷/٦/۲۱

سیدعباس موسویان**

چکیده

کارت اعتباری افزون بر تسریع در دریافت‌ها و پرداخت‌ها از راه مجاری الکترونیکی، وارد مقوله اعتباری نیز می‌شود. وقتی مشتری تقاضای دریافت کارت اعتباری می‌کند بانک سوابق وی را بررسی کرده، کارت اعتباری با سقف معینی را برای وی صادر می‌کند. به این ترتیب مشتری می‌تواند با استفاده از کارت اعتباری تا سقف تعیین‌شده خرید کرده، پس از دریافت صورتحساب، آن را به‌صورت یکجا یا اقساط ماهانه با بانک تسویه کند.

از آنجا که خاستگاه اصلی کارت‌های اعتباری کشورهای غربی است، روابط حقوقی حاکم بر معامله‌های کارت‌های اعتباری در مواردی به ربا و خلاف شرع منتهی می‌شود، بر این اساس، ضرورت دارد راهکاری پیدا شود که در عین مشروعیت قابلیت سامان‌دادن معامله‌های

---

*. این مقاله برگرفته از راهکارهایی است که جهت سامان‌دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری در جلسات کمیته مشورتی مالیه و بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مطرح و مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند، نویسنده با بهره‌گیری از آن مباحث و با مشورت‌هایی که با بخش بانکداری الکترونیک بانک‌های کشاورزی، پارسیان و مؤسسه مالی اعتباری مهر داشته به تهیه این مقاله اقدام کرده است. بدین وسیله از کمیته مشورتی مالیه و بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی بانکی و دیگر عزیزانی که در شکل‌گیری مقاله مساعدت کرده‌اند تقدیر می‌شود.

**. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. Email: mosavian@yahoo.com

کارت‌های اعتباری را داشته باشد.

اخیراً بانک مرکزی راهکاری براساس قرارداد قرض‌الحسنه برای این منظور ابلاغ کرده است، مطالعه دقیق نشان می‌دهد که آن راهکار گرچه برای شروع می‌تواند مناسب باشد اما برای رشد و توسعه مناسب نیست و در عمل به مانع بزرگی برای توسعه بانکداری الکترونیک تبدیل می‌شود. در این مقاله با نقد و بررسی راهکار بانک مرکزی، راهکار دیگری جهت سامان‌دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری براساس قرارداد بیع مرابحه (فروش اقساطی) و ایده فروشگاه الکترونیکی اعتباری پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: *کارت اعتباری، ربا، قرض‌الحسنه، بیع مرابحه، بیع وکالتی، جریمه تأخیر.*

طبقه‌بندی JEL: G21, E49.

مقدمه

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۷ به‌صورت رسمی دستورالعمل صدور و راهبری «کارت خرید اعتباری» را به نظام بانکی ابلاغ کرد، مدیر اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی، با تبیین روش کار کارت‌های خرید اعتباری گفت:

«مشتری کارت را در دستگاه می‌گذارد و تا سقف اعتباری که بانک به مشتری داده مبلغ را در دستگاه کارت‌خوان وارد می‌کند و با این فرایند بانک صادرکننده کارت، پول را حداکثر ظرف ٤٨ ساعت به حساب فروشنده واریز می‌کند .... این پول از حساب مشتری کسر نمی‌شود، بلکه از اعتبار مشتری کسر می‌شود. سپس بانک در انتهای ماه صورت‌حساب برای دارنده کارت ارسال می‌کند. دارنده کارت تا ۱۰ روز از تاریخ صدور صورت‌حساب فرصت دارد وجه صورت‌حساب را به بانک بپردازد که در آن صورت هیچ‌گونه سود یا وجه اضافی از وی دریافت نمی‌شود، اما اگر پرداخت صورت‌حساب بیش از ۱۰ روز طول بکشد، به آن سود تعلق خواهد گرفت» (شریفی، ۱۳۸۷: ۲۳).

مدیر اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی تصریح کرد که بانک‌ها موظفند در سال ۱۳۸۷ دست‌کم تعداد معینی از این نوع کارت برای مشتریان صادر کنند (همان). مسؤول کارگروه خدمات نوین بانکداری الکترونیک نیز در این‌باره می‌گوید:

«سیستم بانکی براساس تکالیفی که هیئت دولت بر عهده بانک‌ها قرار داده است، باید در سال جاری به تعداد سه درصد جمعیت کشور کارت اعتباری صادر کند و این روند در سال‌های ۸۸ و ۸۹ نیز باید تداوم یابد» (لکزایی، ۱۳۸۷: ۲۵).

وی با اشاره به تعیین عقد قرض‌الحسنه به‌صورت قرارداد اجرایی در کارت اعتباری گفت:
«در صورت اجرای ضوابط این عقد باید سقف یک میلیون تومان مدنظر قرار گیرد. وی عدم صدور این کارت‌ها تا این تاریخ را به دلیل مشخص نبودن ضوابط، رویه‌ها، نرخ سود، نوع عقد و برخی سوالات دیگر دانست» (همان).

ابلاغ دستورالعمل و تکلیف دولت بر نظام بانکی مبنی بر صدور کارت اعتباری دست‌کم به تعداد سه درصد جمعیت کشور در سال جاری و استمرار آن در سال‌های آتی، همگی حکایت از آن دارد که دولت و نظام بانکی بحث از اثرها و نتیجه‌های انتشار کارت‌های اعتباری را پشت‌سر گذاشته به مرحله اجرا و گسترش آن فکر می‌کنند، این تصمیم گرچه تصمیم صحیحی است اما از دو جهت محل تامل است، اولاً؛ مانند موردهای دیگر خیلی دیر شده به‌طوری که در استفاده از کارت‌های اعتباری نه‌تنها با کشورهای پیشرفته حتی با برخی از همسایگان ایران نیز فاصله معناداری داریم و باید این فاصله به سرعت پوشانده شود. ثانیاً؛ مطالعه دقیق دستورالعمل ابلاغی نشان می‌دهد که راهکار منتخب بانک مرکزی برای سامان‌دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری گرچه برای شروع می‌تواند مناسب باشد اما برای رشد و توسعه آن مناسب نیست و در عمل به مانع بزرگی برای توسعه کارت‌های اعتباری و بانکداری الکترونیک تبدیل می‌شود. در این مقاله با نقد و بررسی راهکار ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی، راهکار دیگری جهت سامان‌دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری براساس ایده فروشگاه الکترونیکی اعتباری و قرارداد فروش نسیه مرابحه‌ای پیشنهاد می‌شود.

طراحی کارت اعتباری براساس راهکار پیشنهادی بانک مرکزی

مفاد فقهی و حقوقی دستورالعمل بانک مرکزی

ماده‌های دو تا پنج دستورالعمل کارت‌های اعتباری ارائه‌شده از سوی بانک مرکزی ماهیت قرارداد و بُعدهای حقوقی و اقتصادی معامله با آن کارت را نشان می‌دهد. با رعایت

اختصار قسمت‌های مهم این مواد را نقل می‌کنیم:

ماده ۲: موسسات اعتباری صادرکننده در چارچوب قراردادهای تنظیمی با مشتریانی که برای آنها کارت خرید اعتباری صادر می‌کنند، پرداخت وجه صورت‌حساب‌های آنها را به پذیرندگان کارت، یا بانک‌ها و موسسات اعتباری غیر بانکی آنها،* تعهد و تضمین می‌کنند؛

ماده ۳: در صورتی که در اثر پرداخت صورت‌حساب‌های خرید کالا و خدمت، حساب دارنده کارت نزد موسسه اعتباری صادر کننده کارت بدهکار شود، دارنده کارت مکلف است نسبت به تسویه مبلغ بدهی حساب خود ظرف مدت معین (حداکثر تا پایان مهلت پرداخت صورتحساب) اقدام کند. در غیر این صورت مشمول پرداخت وجه التزام به نسبت مدت و مبلغ به‌صورتی که در قرارداد پیش‌بینی شده‌است، خواهد شد؛

تبصره ۱: تعیین وجه التزام با توافق طرفین بوده، دست‌کم نسبت وجه التزام ۲۰ و حداکثر آن ۳۰ درصد در سال است؛

تبصره ۲: نحوه تعیین وجه التزام باید صراحتاً در قرارداد منعقد شده بین موسسه اعتباری صادر کننده و دارنده کارت ذکر شود؛

ماده ٤: کارت خرید اعتباری صرفاً در پایانه‌های فروش (اعم از فیزیکی و مجازی) و جهت پرداخت وجه کالا یا خدمت خریداری شده قابل استفاده بوده و تحت هیچ عنوان نباید برای دریافت وجه نقد استفاده شود؛

ماده ۵: مؤسسه اعتباری صادرکننده مطابق با عقد قرض‌الحسنه می‌تواند حداکثر تا سقف مانده اعتبار فردی هر شخص از محل منابع خود نسبت به تامین مالی لازم برای کارت‌های خرید اعتباری استفاده کند.

مطابق این مواد، قرارداد محوری در صدور کارت‌های اعتباری، عقد قرض‌الحسنه است. به این بیان که بانک صادر کننده کارت اعتباری به دارند کارت تسهیلاتی تحت عنوان قرض‌الحسنه جهت خرید کالا و خدمت می‌پردازد، دارند کارت متعهد است در مهلت مقرر مبلغ قرض گرفته شده را به بانک ناشر کارت بازپرداخت کند و در غیر این صورت

*. با توجه به راه‌اندازی مرکز شتاب و پدیدآوردن نظام پرداخت کارتی بین بانکی، در تراکنش‌های بین بانکی، بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری صادر کننده و پذیرنده همیشه یکسان نیستند، ممکن است بانک طرف قرارداد دارنده کارت با بانک طرف قرارداد مرکز تجاری پذیرنده کارت متفاوت باشد، در این صورت نیاز به دو تا بانک یا مؤسسه اعتباری هست، که از اولی به عنوان ناشر و از دومی به عنوان پذیرنده یاد می‌شود.

مشمول پرداخت وجه التزام به نسبت مدت و مبلغ به‌صورتی که در قرارداد پیش‌بینی شده‌است، خواهد شد.

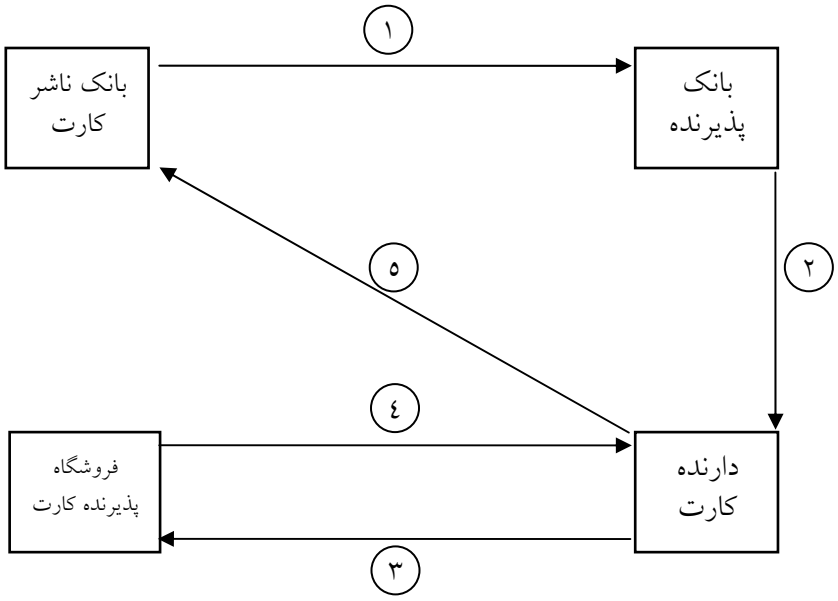
مدل عملیاتی کارت اعتباری براساس قرارداد قرض‌الحسنه

همان‌طور که گذشت در راهکار پیشنهادی بانک مرکزی قرارداد محوری، عقد قرض‌الحسنه است و چهار عنصر؛ بانک یا موسسه اعتباری ناشر کارت، بانک یا موسسه اعتباری پذیرنده کارت، دارنده کارت و فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت در معامله‌های کارت اعتباری حضور دارند.

بانک ناشر بعد از اعتبار سنجی مشتری متناسب با اعتبار وی کارت اعتباری در اختیار وی می‌گذارد و طبق قرارداد، متعهد می‌شود تا سقف اعتبار، منابع لازم برای خرید کالاها و خدمات وی را به‌صورت قرض‌الحسنه در اختیار وی بگذارد، زمانی که دارنده کارت به خرید کالا یا خدمت اقدام کرد، کارت را در دستگاه پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، بانک ناشر بعد از شناسایی و تایید اعتبار، از راه بانک پذیرنده، اعتبار درخواستی دارنده کارت را به‌صورت قرض‌الحسنه در اختیار وی می‌گذارد، دارنده کارت با استفاده از آن اعتبار بدهی خود را می‌پردازد و کالا یا خدمت خریداری شده را تحویل می‌گیرد، بعد از آن، دارنده کارت بدهکار بانک ناشر خواهد بود و چند گزینه برای پرداخت بدهی دارد:

۱. **پرداخت در مهلت تنفس**: در این صورت فقط قیمت خرید کالا را می‌پردازد؛
۲. **پرداخت بعد از مهلت تنفس**: در این صورت افزون بر قیمت کالا باید مبلغی به عنوان وجه التزام نیز بپردازد.

نمودار ذیل مدل استفاده از کارت اعتباری براساس قرض‌الحسنه را نشان می‌دهد.



رابطه‌های حقوقی مدل عملیاتی

۱. زمانی که دارنده کارت کالای مورد نظر خود را انتخاب کرد کارت را در پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، پایانه فروش، اطلاعات مورد نیاز را از راه بانک پذیرنده کارت به بانک یا مؤسسه اعتباری ناشر کارت می‌رساند، ناشر کارت بعد از تایید هویت و اعتبار دارنده کارت منابع لازم برای خرید را در اختیار بانک پذیرنده قرار می‌دهد؛

۲. بانک پذیرنده در جایگاه کارگزار بانک ناشر، اعتبار را در اختیار دارنده کارت می‌گذارد؛

۳. دارنده کارت به وسیله اعتبار پیش‌گفته، قیمت کالاها و خدمات خریداری شده را می‌پردازد؛

٤. فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت، کالاها و خدمات خریداری شده را تحویل می‌دهد؛

٥. دارنده کارت مطابق قرارداد، یا در مهلت تنفس بدهی خود به ناشر را می‌پردازد یا بعد از آن افزون بر اصل مبلغ بدهی وجه التزام نیز می‌پردازد.

اشکال‌های کارت اعتباری براساس قرارداد قرض‌الحسنه

طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد قرض‌الحسنه گرچه به جهت سادگی قرارداد و سادگی مدل عملیاتی قابل فهم برای همه بوده و می‌تواند برای شروع مناسب باشد اما اشکالات اساسی داشته و در بلندمدت مانع جدی برای گسترش این کارت‌ها خواهد بود، برخی از اشکال‌ها به شرح ذیل است:

۱. محدودیت منابع قرض‌الحسنه

مطالعه آمارهای منتشره از سوی نظام بانکی نشان می‌دهد که سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز نسبت به کل منابع نظام بانکی در بانک‌های دولتی در حدود ۵ تا ۱۰ درصد و در بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی اعتباری زیر ۵ درصد است (امیدی‌نژاد، ۱۳۸۷). با توجه به اینکه بخشی از این منابع به‌صورت سپرده قانونی در بانک مرکزی بلوکه می‌شود و بخشی دیگر به دیگر تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص می‌یابد به‌صورت طبیعی سهم خیلی کمی از منابع برای اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه از راه کارت‌های اعتباری اختصاص می‌یابد و این نسبت در بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی اعتباری خیلی کمتر خواهد بود و این در حالی است که بانک‌های خصوصی و مؤسسه‌های مالی اعتباری بیشترین انگیزه را برای گسترش کارت‌های اعتباری داشتند. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود این بانک‌ها و مؤسسه‌ها نتوانند از این شیوه استفاده کنند.

۲. عدم قابلیت تقسیط

در بانکداری متعارف خیلی از دارندگان کارت اعتباری، پس از خرید کالاها و خدمات، به بانک مراجعه کرده تقاضای تقسیط بدهی ناشی از خرید به وسیله کارت اعتباری را می‌کنند و بانک با افزودن مبلغی روی اصل بدهی آن را قسط‌بندی می‌کند، رابطهٔ حقوقی که در دستورالعمل اجرایی بانک مرکزی آمده است قابلیت برای تقسیط ندارد. چون بعد از پرداخت بهای کالاها و خدمات به وسیله کارت، آن مبلغ به‌صورت بدهی دارندهٔ کارت به بانک ناشر منظور می‌شود و هر نوع افزایشی روی آن از مصداق‌های ربا خواهد بود. نتیجه این می‌شود که بانک‌ها سقف اعتبار کارت‌ها را حداکثر در حد متوسط حقوق کارکنان دولت یعنی در حد چندصد هزار تومان قرار دهند و این قابلیت کارت‌های اعتباری را کاهش می‌دهد.

۳. گسترش باب جریمهٔ تأخیر

گرچه شورای نگهبان و برخی از فقیهان با گرفتن جریمهٔ تأخیر موافق هستند اما همچنان برخی از مراجع با اصل آن، برخی با شیوهٔ اجرایی آن مخالفند بنابراین، باید

قراردادهای بانکی به‌گونه‌ای تنظیم شود که در موردهای کمتری با جریمه تأخیر روبه‌رو شود. این در حالی است که در دستورالعمل پیشنهادی بانک مرکزی، خیلی از موارد استفاده از کارت به جریمهٔ تأخیر منتهی خواهد شد، چون در دستورالعمل اجرایی امکان تقسیط نیست در نتیجه خیلی از استفاده‌کنندگان با تأخیر و جریمه روبه‌رو خواهند شد و این به‌تدریج ذهنیت دریافت ربا به اسم جریمه را تقویت خواهد کرد.

٤. عدم قابلیت برای گسترش کمّی و کیفی

گرچه کارت‌های اعتباری در شروع کار برای خریدهای جزئی و روزمره طراحی شده بودند اما به تدریج جایگاه مهمی پیدا کردند و امروزه دارندگان کارت برای خریدهای بزرگ هم از آن استفاده می‌کنند و به همین منظور بانک‌ها به طراحی انواعی از کارت‌های اعتباری با سقف‌های اعتباری متفاوت اقدام می‌کنند. به‌گونه‌ای که کارت‌های اعتباری طلایی معادل چندین ماه حقوق دریافتی دارندهٔ کارت اعتبار دارد و دارندهٔ کارت می‌تواند بعد از خرید، به اقساط بدهی خود را بپردازد. عدم قابلیت تقسیط در دستورالعمل پیشنهادی بانک مرکزی باعث می‌شود بانک‌های عامل به ناچار سقف کارت‌های اعتباری را خیلی محدود و در حد حقوق یک ماه دارندگان کارت تعریف کنند و این مانع از گسترش کمی و کیفی کارت‌های اعتباری می‌شود.

به‌نظر می‌رسد با توجه به کاستی‌های پیش‌گفته لازم است در قرارداد حقوقی مورد استفاده در کارت‌های اعتباری (قرض‌الحسنه) تجدید نظر شود و از رابطهٔ حقوقی دیگری که مشکل‌های پیشین را ندارد استفاده شود.

طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه

به نظر می‌رسد بهترین گزینه برای معامله‌های کارت‌های اعتباری استفاده از قرارداد انتفاعی بیع نسیه مرابحه است. قرارداد مرابحه افزون بر آنکه هیچ‌یک از محدودیت‌های قرارداد قرض‌الحسنه را ندارد، به جهت انتفاعی‌بودن قرارداد، قابلیت‌های فراوان و انعطاف لازم برای طراحی مالی را دارد.

تبیین فقهی قرارداد مرابحه

یکی از انواع قرارداد بیع، بیع مرابحه است که از زمان‌های قدیم بین مردم رایج بوده است و مقصود از آن بیعی است که فروشنده قیمت تمام‌شدهٔ کالا اعمّ از قیمت خرید، هزینه های حمل و نقل و نگهداری و سایر هزینه های مربوطه را به اطلاع مشتری می‌رساند سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود می‌کند (نجفی، ۱۹۸۱: ۲۳، ۳۰۳). به‌طور مثال، اعلان می‌کند این کالا را به هزار تومان خریده است و حاضر است به هزار و صد تومان یا با ده درصد سود به مشتری بفروشد، در بیع مرابحه چنانچه بایع در بیان قیمت خرید یا هزینه‌های مربوطه دروغ بگوید مشتری خیار فسخ پیدا می‌کند (همان: ۳۱۷)، بیع مرابحه می‌تواند به‌صورت نقد یا نسیه دفعی یا اقساطی منعقد شود و در صورتی که نسیه باشد به‌طور معمول نرخ سود آن بیشتر است. شایان ذکر است قرارداد بیع مرابحه اقساطی در قانون عملیات بانکی بدون به‌صورت فروش اقساطی آمده و بانک‌ها به‌صورت گسترده از آن استفاده می‌کنند.

مدل عملیاتی کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه

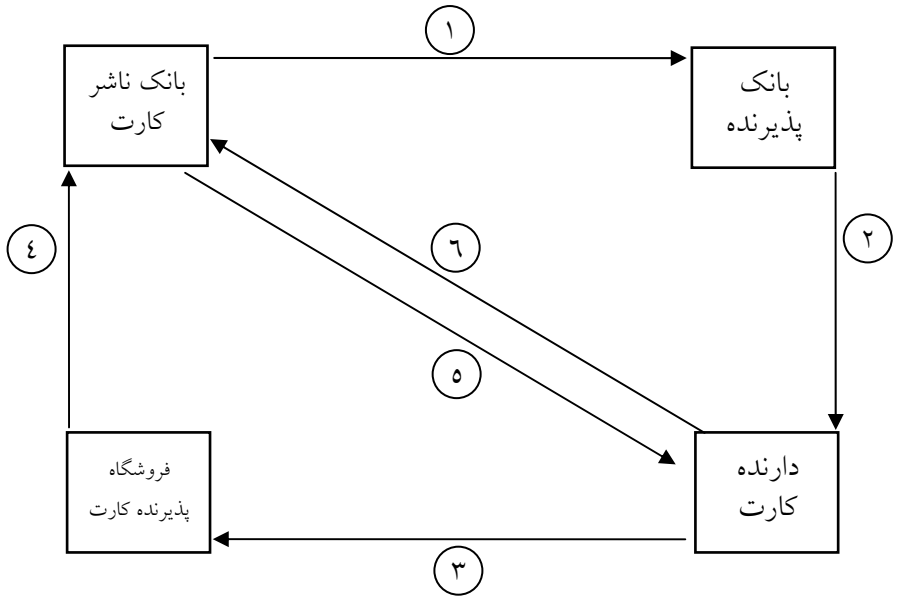
در این راهکار قرارداد محوری، قرارداد بیع مرابحه است و مانند راهکار پیشین چهار عنصر؛ بانک یا مؤسسه اعتباری ناشر کارت، بانک یا مؤسسه اعتباری پذیرنده کارت، دارنده کارت و فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت در معامله‌های کارت اعتباری حضور دارند.

بانک ناشر بعد از اعتبارسنجی مشتری متناسب با اعتبار وی کارت اعتباری در اختیار وی می‌گذارد و طبق قرارداد، دارنده کارت را وکیل در خرید به وسیله کارت برای بانک می‌کند و متعهد می‌شود تا سقف اعتبار، منابع لازم برای خرید کالاها و خدمات مورد نیاز دارنده کارت را تامین کند، زمانی که دارنده کارت در جایگاه وکیل بانک به خرید کالا اقدام کرد، کارت را در دستگاه پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، بانک ناشر بعد از شناسایی و تایید اعتبار، از راه بانک پذیرنده، قیمت کالاها و خدمات را به فروشگاه یا مرکز خدماتی پذیرنده کارت می‌پردازد، سپس بانک ناشر در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری، کالاها و خدمات خریداری شده را به دارنده کارت به‌صورت بیع نسیه مرابحه‌ای برای مدت‌زمان معین و با نرخ سود معین می‌فروشد، به‌طور مثال، کالاها و خدمات

خریداری شده را با احتساب نرخ سود ۱۰ درصد به سررسید شش ماه به دارنده کارت می‌فروشد، دارنده کارت کالاها و خدمات خریداری شده را تحویل می‌گیرد، بعد از آن، دارنده کارت بدهکار بانک ناشر خواهد بود و چند گزینه برای پرداخت بدهی (قیمت نسیه کالاها و خدمات) دارد:

۱. **پرداخت در مهلت تنفس**: در این صورت مابه‌التفاوت قیمت نقد و نسیه تخفیف داده می‌شود و دارنده کارت فقط قیمت نقد کالاها و خدمات را می‌پردازد؛
۲. **پرداخت به‌صورت اقساطی**: دارنده کارت می‌تواند کل یا بخشی از قیمت کالاها و خدمات خریداری شده را به‌صورت اقساط تا سررسید مقرر بپردازد، در این صورت بخشی از مابه‌التفاوت قیمت نقد و نسیه تخفیف داده می‌شود؛
۳. **پرداخت دفعی درسررسید**: در این صورت دارنده کارت قیمت نسیه کالاها و خدمات را می‌پردازد؛
٤. **پرداخت بعد از سررسید**: در این صورت افزون بر قیمت نسیه کالاها و خدمات باید مبلغی به‌صورت وجه التزام نیز بپردازد.

نمودار ذیل مدل عملیاتی استفاده از کارت اعتباری براساس ایده فروشگاه الکترونیکی اعتباری و بیع مرابحه را نشان می‌دهد.



رابطه‌های حقوقی مدل عملیاتی

۱. زمانی که دارنده کارت کالای مورد نظر خود را انتخاب کرد کارت را در پایانه فروش (POS) قرار می‌دهد، پایانه فروش، اطلاعات مورد نیاز را از راه بانک پذیرنده کارت به بانک یا موسسه اعتباری ناشر کارت می‌رساند، ناشر کارت بعد تایید هویت و اعتبار دارنده کارت منابع لازم برای خرید را در اختیار بانک پذیرنده قرار می‌دهد؛

۲. بانک پذیرنده در جایگاه کارگزار بانک ناشر، اعتبار را در اختیار دارنده کارت که وکیل بانک ناشر در کار خرید است می‌گذارد؛

۳. دارنده کارت به وسیله اعتبار پیش‌گفته، در جایگاه وکیل بانک ناشر، کالاها و خدمات را خریداری و قیمت آنها را می‌پردازد؛

٤. فروشگاه پذیرنده کارت، کالاها و خدمات خریداری شده را به تملیک بانک ناشر کارت در می‌آورد و تحویل وکیل بانک می‌دهد؛

۵. بانک ناشر در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری، طبق قراردادی که با دارنده کارت دارد، کالاها و خدمات خریداری شده را با احتساب سود نسیه به تملیک دارنده کارت در می‌آورد؛

٦. دارنده کارت مطابق قرارداد می‌تواند در مهلت تنفس، یا بعد از مهلت تنفس تا سررسید مقرر، به‌صورت دفعی یا اقساطی بدهی خود را به بانک ناشر بپردازد یا بعد سررسید مقرر می‌پردازد که در این صورت مشمول وجه‌التزام خواهد شد.

مبانی فقهی و حقوقی کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه

همان‌طور که گذشت در سامان‌دهی معامله‌های کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه، از ترکیب چند قرارداد استفاده می‌شود و صحت شرعی معامله باکارت اعتباری به صحت همه آنها منوط است. بعد از تعیین سقف اعتبار و صدور کارت به‌وسیله بانک، چندین معامله انجام می‌گیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

۱. وکالت در خرید؛ به سبب قرارداد بین بانک ناشر کارت و متقاضی کارت اعتباری، دارنده کارت وکیل بانک برای خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود می‌شود؛

۲. خرید وکالتی؛ دارنده کارت در جایگاه وکیل بانک، کالاها و خدمات مورد نیاز خود را به‌صورت بیع نقد از فروشگاه‌ها و مراکز خدمات پذیرنده کارت برای بانک خریداری می‌کند؛
۳. فروش مرابحه‌ای نسیه؛ بانک ناشر کارت با پرداخت قیمت، کالاها و خدمات خریداری شده را تملک کرده، سپس در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری آنها را با احتساب سود بانکی به‌صورت بیع مرابحه نسیه به دارنده کارت می‌فروشد؛
٤. تخفیف در بدهی؛ اگر دارنده کارت بخواهد بدهی حاصل از خرید نسیه را به‌صورت دفعی در فرصت تنفس، یا به‌صورت تدریجی تا سررسید بپردازد، بانک نسبت به مبلغ بدهی تخفیف می‌دهد (کل یا بخشی از سود نسیه را کم می‌کند)؛
۵. جریمه تاخیر؛ چنانچه دارنده کارت بدهی خود را تا سررسید پرداخت نکند متناسب با مبلغ و مدت بدهی مشمول جریمه تاخیر و وجه التزام خواهد شد.

در تحقق رابطه‌های فقهی و حقوقی پیش‌گفته مواردی محل تامل فقهی و حقوقی است، و نیاز به بررسی دارد.

قصد خرید وکالتی

به سبب قرارداد صدور کارت اعتباری، دارنده کارت وکیل بانک در خرید کالاها و خدمات می‌شود بنابراین برای صحت خریدها باید قصد خرید وکالتی کند در حالی که در موردهای فراوانی دارنده کارت غافل از خرید وکالتی است و به نیت خودش خرید می‌کند، همان‌طور که در موردهایی دارنده کارت، کارت را به دیگران (مانند همسر و فرزند) وامی‌گذارد و آنان اطلاعی از قرارداد وکالت ندارند.

در حل این مشکل می‌توان گفت: اولاً؛ در تحقق قصد خرید وکالتی توجه ارتکازی کفایت می‌کند به این معنا که اگر توجه کند بفهمد که چه کاری انجام می‌دهد و در خرید با کارت اعتباری چنین ارتکازی وجود دارد، چون دارنده کارت می‌داند خودش پولی ندارد و با پول بانک خریداری می‌کند. در مواردی هم که کارت را در اختیار دیگری می‌گذارد، دیگران وسیله و ابزار وی برای خرید وکالتی هستند یا با واگذاری، دیگران را وکیل و جانشین خود در انجام معامله وکالتی می‌کند. ثانیاً؛ بر فرض که به جهت نبود قصد وکالت

در خرید، خرید وکالتی باطل باشد، معامله تبدیل به بیع فضولی نقد و نسیه‌ای خواهد شد که پیشاپیش طرفین قرارداد رضایت خودشان را اعلام کرده‌اند. به این بیان که هم بانک ناشر کارت حین انعقاد قرارداد با فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی پذیرنده کارت رضایت خود را مبنی بر خرید به وسیله دارند کارت اعلام کرده و دارنده کارت هم رضایت خود مبنی بر خرید نسیه از بانک اعلام کرده است، بنابراین اگر معامله با این نوع کارت‌ها به اصطلاح فقهی از نوع بیع وکیل یا ماذون نباشد از نوع بیع فضولی همراه با رضایت مالک خواهد بود که به اعتقاد همه فقیهان صحیح است.

خرید خدمات

مطابق طرح پیشنهادی، دارندهٔ کارت می‌تواند به وسیلهٔ کارت از خدمات مراکز خدماتی چون هتل‌ها، بیمارستان‌ها، شرکت‌های هواپیمایی، راه‌آهن، اتوبوسرانی، جهانگردی، شرکت‌های تعمیر مسکن، خودرو و ... استفاده کند که در آنها شرکت پیش گفته کالایی را نمی‌فروشد و به اصطلاح فقیهان و حقوقدانان عینی را تحویل نمی‌دهد؛ بلکه موضوع قرارداد خدمت آن مرکز خدماتی است و از این جهت صدق بیع محل تردید است؛ در نتیجه نمی‌توان گفت که دارندهٔ کارت، خدمت را به وکالت از طرف بانک به‌صورت نقدی می‌خرد؛ سپس بانک به وی می‌فروشد؛ چون عینی در کار نیست تا خریدوفروش شود.

در حل مسئله باید گفت: موضوع فروش خدماتی که میان عرف به‌صورت بیع مطرح است، از دیدگاه فقیهان شیعه محل اختلاف است. برخی از فقیهان چون شیخ انصاری، صاحب جواهر و آیت‌الله خویی صدق بیع بر چنین معامله‌هایی را انکار، و تکلّم عرف را بر تسامح حمل می‌کنند (مکارم‌شیرازی، ۱٤۱۳: ۱، ۲۱). برخی دیگر از فقیهان چون امام خمینی و آیت‌الله مکارم‌شیرازی اشتراط عین‌بودن بیع را لازم ندانسته، بر این باورند که می‌توان منافع و خدمات را در قالب قرارداد بیع منعقد کرد (همان؛ موسوی‌خمینی، ۱٤۱۵: ۱، ۱۵). این گروه از فقیهان افزون بر صدق عرفی بیع بر فروش خدمات و منافع به روایت‌های نیز استدلال می‌کنند؛ مانند روایت اسحاق بن عمار که نقل می‌کند:

«از امام علیه السلام دربارهٔ فردی که خانه‌ای را در اختیار دارد و می‌فروشد در حالی که خانه مال وی نیست، پرسیدم. امام فرمود: نمی‌پسندم خانه‌ای را که مال وی نیست بفروشد. گفتم:

سکونت در خانه، و موقعیتش در آن خانه را می‌فروشد، و می‌گوید: سکونت خانه را به تو می‌فروشم. خانه آن گونه که دست من بود، دست تو باشد. امام‌فرمود: بلی به این صورت می‌تواند بفروشد» (حرّ عاملی، ۱٤۱۳: ۱۷، ۳۳۵).

برای حل مشکل و رسیدن به وفاق فقهی می‌توان از عقد صلح یا جعاله نیز استفاده کرد به این معنا که مراکز خدماتی براساس عقد صلح یا جعاله خدمات پیش‌گفته را به‌صورت نقد به وکیل بانک واگذارند؛ سپس بانک آن خدمات را براساس عقد صلح یا جعاله نسیه و با قیمتی بالاتر به دارنده کارت تملیک کند و وی از آن خدمات استفاده کند. به اعتقاد فقیهان بزرگوار شیعه، قرارداد صلح قراردادی لازم است و موضوع آن اعّم از اعیان، منافع و حقوق است و شامل خدماتی که ذکر شد می‌شود و چه‌بسا اگر به حقیقت معامله‌های این نوع مراکز توجه کنیم، از انواع تملیک و تملّک‌ها تشکیل شده است که نه با خصوص بیع و نه با خصوص اجاره می‌سازد؛ بلکه مخلوطی از انواع عقدها در معاملهٔ واحد است که فقط با قراردادی چون صلح می‌توان انشا کرد؛ به‌طور مثال، در هتل‌ها انواع خدمات مسکن، خدمات انسانی، تملیک غذا، عاریهٔ وسایل اتاق و ... در قالب یک معامله صورت می‌گیرد؛ پس می‌توان مسئلهٔ خریدوفروش خدمات مراکز خدماتی را در قالب قرارداد صلح انشا، و برای پرداخت وجه از کارت اعتباری به تفصیلی که گذشت، استفاده کرد.

تخفیف در بدهی

مطابق طرح، دارنده کارت کالا را به‌صورت نقد برای بانک خریداری می‌کند سپس بانک در جایگاه فروشگاه الکترونیکی اعتباری با افزودن مبلغی به قیمت بالاتر به‌صورت نسیه به دارنده کارت می‌فروشد و وی متعهد می‌شود در سررسید مقرر قیمت نسیه کالا را به بانک بپردازد حال اگر دارنده کارت بخواهد بدهی خود را به‌صورت دفعی در فرصت تنفس یا به‌صورت تدریجی تا سررسید بپردازد، بانک نسبت به مبلغ بدهی تخفیف می‌دهد (کل یا بخشی از سود بانکی را کم می‌کند). آیا چنین تخفیفی از دید فقه اسلامی جایز است؟

در پاسخ به این پرسش می‌گوییم؛ در معامله‌های مدت‌دار مانند بیع نسیه، سلف، اجاره، قرض و ... که مدیون متعهد است بدهی خود را طبق زمان‌بندی معیّن بپردازد، گاهی مدیون علاقه دارد در برابر کم‌کردن بخشی از بدهی، دین خود را زودتر از موعد مقرر بپردازد؛

چنانکه گاهی طلبکار دوست دارد در برابر دریافت زودتر از سررسید از بخشی از بدهی صرف‌نظر کند. این موضوع از زمان امامان علیهم‌السلام محل بحث بوده و در روایت‌های پرسش شده است؛ به‌طور نمونه به دو مورد اشاره می‌شود. محمد بن مسلم در روایت صحیحی از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند:

«از امام باقر علیه‌السلام درباره شخصی پرسش شد که دین مدت‌داری بر عهده دارد. طلبکار نزد وی می‌آید و می‌گوید: فلان مقدار بدهی‌ات را نقد بپرداز تا از بقیه‌اش صرف‌نظر کنم. یا می‌گوید مقداری را نقد بپرداز تا نسبت به باقی آن مهلت را اضافه کنم. امام علیه‌السلام فرمود: مادامی که به اصل بدهی (سرمایه) چیزی اضافه نکند، اشکالی ندارد. خداوند می‌فرماید: «برای شما است سرمایه‌هایتان، نه ستم کنید و نه بر شما ستم شود»» (بروجردی، ۱٤۱۰: ۱۸، ۳۳۷).

شبیه همین حدیث را حلبی به سند صحیح از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل می‌کند (همان). در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

«از ایشان پرسش شد: مردی از کسی طلب دارد و پیش از فرا رسیدن موعد به وی می‌گوید: نیمی از بدهی را زودتر بده تا نصف دیگر را واگذارم. آیا این عمل برای هر یک از آن دو جایز است؟ آن حضرت فرمود: بلی» (همان).

همین مضمون در روایت‌های دیگری نیز نقل شده است (حرّ عاملی، ۱۹۸۳: ۱۲، ب ٤، ح ۱ و ۲). فقیهان شیعه به استناد روایت‌های پیش‌گفته با اصل کاهش مبلغ بدهی در باربر پرداخت زودتر از سررسید موافق هستند و در تصویر فقهی آن راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند (موسوی‌خمینی، ۱٤۰۱: ۱، ۵۳۵) برخی از آنها عبارتند از:

۱. **صلح**، به این بیان که طلبکار و بدهکار بر کاهش بخشی از بدهی در برابر تعجیل در پرداخت مصالحه می‌کنند؛

۲. **ابراء**، به این بیان که طلبکار در برابر دریافت زودتر از سررسید، بخشی از بدهی را ابرا (صرف‌نظر) می‌کند؛

۳. **هبه**، به این بیان که طلبکار در برابر دریافت زودتر از سررسید، بخشی از بدهی را هبه می‌کند؛

٤. **خرید دین**، به این بیان که بدهکار بدهی مدت‌دار خود را در برابر مبلغی کمتر از بدهی خرید می‌کند.

از آنجا که در روایت‌های روی رابطهٔ خاصی تأکید نشده و اصل عمل مجاز شمرده شده است، طرفین می‌توانند براساس هر یک از راهکارهای پیش‌گفته رفتار کنند.

بررسی فقهی جریمه تاخیر (وجه التزام)

شکی نیست هر نوع افزایش مبلغ بدهی در برابر تمدید مدت، ربا و حرام است و این نوع ربا از مصداق‌های مسلّم ربای جاهلی بود که قرآن درصدد تحریم آن برآمد. امام خمینی﵀ در این‌باره می‌نویسد:

«در عدم جواز، اعطای مدت برای ثمن حال ـ بلکه هر بدهی ـ در برابر زیادکردن آن، هیچ تردیدی نیست و علت آن افزون بر صدق عرفی ربا، روایت‌های است که در شأن نزول آیه «احلّ اللّه البیع و حرّم الربا» رسیده و طبق آن روایت‌ها، آیه درباره زیادی مال در مقابل تأخیر در دین حالّ نازل شده است» (موسوی‌خمینی، ۱٤۱۵: ۵، ۵۲۷ ـ ۵۲۹ با تلخیص).

بحثی که اینجا وجود دارد این است که آیا طلبکار در قرارداد قرض یا غیر آن می‌تواند برای الزام بدهکار به پرداخت به موقع بدهی شرط جریمه تأخیر در پرداخت، کند؟ به عبارت دیگر، همان‌طور که برای التزام وی به پرداخت در سررسید می‌تواند شرط رهن، ضمانت و کفالت کند و با وی قرار بگذارد که اگر به موقع پرداخت نکند از راه فروش رهن، الزام ضامن یا کفیل، طلب خود را وصول خواهد کرد، آیا می‌تواند شرط جریمه بگذارد و او را تهدید کند به اینکه اگر در سررسید مقرر به پرداخت اقدام نکند فلان مبلغ جریمه خواهد گرفت؟

مشهور فقیهان از جمله امام خمینی﵀ بدون تفصیل بین صورت‌های گوناگون مسئله، گرفتن هر نوع زیاده هر چند به عنوان جریمه دیر کرد را از مصداق‌های ربا می‌دانند (موسوی‌خمینی، ۱۳۷٦: ۲، ۱۲۸). در برابر برخی از فقیهان، تفصیل‌های داده‌اند. آیت‌اللّه گلپایگانی﵀ در پاسخ به پرسشی درباره جریمه‌های بانکی می‌نویسد:

«اگر مدیون به‌صورت شرعی در ضمن عقد خارج لازم، ملتزم شده باشد که اگر از موعد مقرر تأخیر انداخت مبلغ معینی مجاناً بدهد اشکالی ندارد» (گلپایگانی، ۱٤۰۵: ۲، ۹۱).

آیت‌اللّه صافی‌گلپایگانی نیز در پاسخ از پرسشی می‌نویسد:

«**پرسش:** در قرارداد قرض یا غیر آن شرط می‌شود که «در صورت عدم تسویه کامل اصل بدهی ناشی از قرارداد در سررسید مقرر، افزون بر اصل بدهی، مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال به ذمّه متعهد این قرارداد تعلق خواهد گرفت» آیا شرط پیش‌گفته با مشکل ربا و غیر آن روبه‌رو است یا خیر؟ و آیا میان قرض و غیر آن همچون بیع نسیه یا سلف در این‌باره فرق هست یا نه؟

پاسخ: «اگر مفهوم شرط پیش‌گفته، مجاز بودن مدیون در تاخیر ادای دین در برابر ۱۲ درصد باشد، ربا و حرام است و اگر مقصود الزام مدیون بر ادای دین رأس مدت مقرر باشد که وجه التزام در برابر عدم ادا باشد ظاهراً اشکال ندارد و اللّه العالم» (وحدتی‌شبیری، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

آیت‌الله رضوانی از فقیهان شورای نگهبان نیز در توجیه مصوبه شورا مبنی بر جواز گرفتن جریمه تأخیر در بانک‌ها می‌گوید:

«جریمه تأخیر ربا نیست، بلکه بانک می‌گوید: سر ماه باید قسط خود را بپردازی، اگر نیاوردی، در همان موقع باید فلان مبلغ را به عنوان جریمه بپردازی، نه اینکه جریمه را می‌دهی تا مبلغ [= قسط] یک ماه دیگر پیش تو بماند، بنابراین تاخیر تأدیه، ربا نیست. حال که ربا نیست، اگر در ضمن عقد یا قرض شرط شده باشد، حکم «المؤمنون عند شروطهم» دارد و اشکال پدید نمی‌آید» (رضوانی، ۱۳۷۲: ۳۳ و ۳٤).

بررسی حقوقی جریمه تاخیر (وجه التزام)

یکی از راه‌های کنترل بازپرداخت بدهی افراد به بانک‌ها در نظام‌های ربوی، تمدید مدت بدهی با نرخ بهره جدید یا گرفتن درصدی به‌صورت بهره دیرکرد است. چنانچه شخص بدهی خود را در سررسید، نپردازد، بانک ربوی درصدی را به‌صورت بهره دیرکرد دریافت می‌کند. در ایران پیش از انقلاب، طبق آیین دادرسی مدنی (ماده ۷۱۹ ـ ۷۲۳) بهره تأخیر تأدیه ۱۲ درصدی برای یک سال در تمام امور مربوط به دیون وجود داشت. با پیروزی انقلاب و روند اسلامی‌شدن قانون‌های این مواد ابطال شد. سوءاستفاده برخی در بازپرداخت بدهی و بروز مشکل‌های اجرایی و مالی در بانک‌ها باعث شد شورای پول و اعتبار برای رفع مشکل، در پی قانونی‌کردن دریافت جریمه تأخیر و تأیید شرعی آن برآید؛ از این‌رو طرحی را تهیه کرد که در آن بدهکار به‌صورت شرط می‌پذیرفت، اگر بدهی را در سررسید نپردازد، جریمه را نیز بدهکار شود. شورای نگهبان نیز تصویب کرد که اگر وام‌گیرنده، به‌صورت شرط بپذیرد در صورت نپرداختن بدهی در سررسید، باید مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال را به بانک بپردازد، گرفتن آن مبلغ جایز است؛ (روزنامه جمهوری اسلامی: ۱۳٦۲/۹/۲۲). از این‌رو با قرارگرفتن این مطلب به‌صورت شرط ضمن عقد، مشکل‌های قراردادهای منعقد شده از سال تأیید این قانون (۱۳٦۲) به بعد حل شد.

تا سال ٦٩، میزان جریمه ۱۲ درصد بود؛ اما با توجه بـه افـزایش نـرخ سـود بـانکی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و عدم کارایی جریمه ۱۲ درصد، مدیریت نظارت بر بانک‌هـا پس از مشورت با آیت‌اللّه رضوانی، عضو محترم فقیهـان شـورای نگهبـان، میـزان جریمـه تأخیر را معادل نرخ سود تسهیلات در بخش مربوط به اضافه شش درصد تعیین کرد.

در عین حال برخی از محاکم، در دعاوی بانک‌ها بر علیه مشتریان بدحـساب، فقـط بـه پرداخت اصل مبلغ حکم می‌کردند، و به هیچ‌وجه گـرفتن جریمـه تـأخیر دیـون را اجـازه نمی‌دادند؛ حتّی اگر شخص هنگام گرفتن تسهیلات، به‌صورت شـرط پذیرفتـه بـود کـه در صورت تأخیر، مبلغی را به‌صورت جریمه بپردازد؛ از این‌رو اداره نظارت بر بانک‌ها (بانـک مرکزی) با ارائه لایحه‌ای که به تصویب مجلس (٧٦/١١/٩) و شورای نگهبان رسید، محاکم را موظف کرد اگر برابر قرارداد، مقرر شده باشد کـه اشـخاص در سررسـید معینـی وجـوه تسهیلات دریافتی را به انضمام سود و خسارت و هزینه‌هـای ثبتـی و اجرایـی، دادرسـی و حق‌الوکاله بپردازند، در صورت عدم پرداخت می‌توانند این وجوه را مطالبه کنند.

مقایسه راهکار قرض‌الحسنه با راهکار مرابحه

چنانکه گذشـت راهکارهـای قـرض‌الحـسنه و مرابحـه هـر دو قابلیـت بـرای طراحـی کارت‌های اعتباری دارند اما در مقام اجرا وجه تشابه و تفاوت‌هـایی بـا هـم دارنـد کـه بـه برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. **قابلیت خرید اعتباری**؛ هر دو راهکار به دارنده کارت امکان می‌دهد تا با استفاده از منابع بانک به خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود بپردازند و بهای آن را بعداً بپردازند؛
۲. **قابلیت پرداخت در مهلت تنفس**؛ هر دو راهکار به دارنده کارت امکان می‌دهد تـا بهای کالاها و خدمات خریداری شده را در مهلت تنفس بپردازند و در این صورت فقط قیمت نقدی کالاها و خدمات پرداخت می‌شود؛
۳. **قابلیت پرداخت اقساطی**؛ در راهکار قرض‌الحسنه امکان پرداخت بدهی به‌صورت اقساط وجود ندارد در حالی که در راهکار مرابحه دارنده کـارت مـی‌توانـد بـدهی خود را به‌صورت اقساطی بپردازد؛

٤. **قابلیت پرداخت دفعی مدت‌دار**؛ در راهکار قرض‌الحسنه امکان پرداخت بدهی به‌صورت دفعی مدت‌دار وجود ندارد در حالی که در راهکار مرابحه دارنده کارت می‌تواند بدهی خود را به‌صورت مدت‌دار (به‌طور مثال بعد از شش ماه) بپردازد؛

٥. **طراحی برای سقف اعتباری بالاتر**؛ در راهکار قرض‌الحسنه، سقف اعتبار هر مشتری محدود به منابع و مصارف قرض‌الحسنه‌ای بانک است که با محدودیت جدی روبه‌رو است، در حالی که در راهکار مرابحه بانک از همه منابع مالکیتی و وکالتی می‌تواند استفاده کند در نتیجه بانک ناشر می‌تواند کارت‌های با سقف اعتباری بالاتر معادل چندین ماه درآمد مشتریان طراحی کند؛

٦. **انتظار استقبال بانک‌ها و مشتریان**، با توجه به غیرانتفاعی‌بودن راهکار قرض‌الحسنه و محدودیت منابع و مصارف قرض‌الحسنه‌ای بانک‌ها به نظر می‌رسد بانک‌ها و مشتریان از راهکار قرض‌الحسنه استقبال نکنند، برخلاف راهکار مرابحه که در عین داشتن همه مزایای راهکار قرض‌الحسنه به جهت انتفاعی‌بودن قرارداد و عدم محدودیت منابع و مصارف آن انتظار می‌رود مورد استقبال جدی بانک‌ها و مشتریان قرار گیرد؛

٧. **واقعی‌بودن جریمه تاخیر (وجه التزام)**؛ مطابق راهکار قرض‌الحسنه دارنده کارت موظف است کل بدهی خود را در مهلت تنفس بپردازد و گرنه مشمول جریمه تاخیر می‌شود، حال با توجه به اینکه بخش فراوانی از دارندگان کارت نمی‌توانند کل بدهی خود را در مهلت تنفس بپردازند این امر باعث می‌شود پرداخت جریمه شیوع پیدا کرده از حالت جریمه به حالت مجوز تاخیر تبدیل شود که در آن صورت به اعتقاد همه فقیهان حتی فقیهان شورای نگهبان ربا خواهد بود، در حالی که در راهکار مرابحه دارنده کارت افزون بر گزینه پرداخت در مهلت تنفس می‌تواند تا سررسید معین (به‌طور مثال شش ماه) به‌صورت اقساطی یا بعد از سررسید به‌صورت دفعی بدهی خود را تسویه کند بنابراین زمانی کار به جریمه منتهی می‌شود که دارنده کارت در عمل به همه گزینه‌ها تخلف کند و این سبب واقعی‌شدن جریمه تاخیر و وجه التزام می‌شود که از نظر فقهی منطبق با مبنای شورای نگهبان است.

جمع‌بندی و پیشنهادها

با توجه بـه ضـرورت حرکـت بـه سـمت بانکـداری الکترونیکـی و اسـتفاده از کارت‌های اعتباری به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌های راهکار قرض‌الحسنه، این راهکـار در بلندمـدت تـوان پاسـخگویی بـه توسـعه بانکـداری الکترونیکـی و کارت‌های اعتباری را ندارد، بر این اساس پیـشنهاد مـی‌شـود یکـی از راهکارهـای انتفاعی بانکداری بدون ربا به‌صورت قرارداد محـوری انتخـاب شـود و از آن میـان قرارداد فروش نسیه مرابحه‌ای مناسبترین است.

منابع و مآخذ

۱. امیدی‌نژاد، محمد، ۱۳۸۷ش، *گزارش عملکرد نظام بانکی کشور در سال ۱۳۸٦*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۲. بروجردی، سیدحسین، ۱٤۱۰ق، *جامع احادیث الشیعه*، قم: حوزهٔ علمیهٔ قم.

۳. حرّ عاملی، ۱٤۱۳ق، *وسائل‌الشیعه*، بیروت: مؤسسهٔ آل‌البیت علیهم‌السلام.

٤. رضوانی، غلامرضا، ۱۳۷۲ش، *مصاحبه با حضرت آیت‌اللّه رضوانی پیرامون بانکداری اسلامی*، تهران: بانک مرکزی ایران.

۵. شریفی، مهران، ۱۳۸۷ش، «دستورالعمل صدور و راهبری کارت‌های اعتباری»، *ماهنامه بانکداری الکترونیکی*، تهران: بی‌نا: ش ٦.

۶. گلپایگانی، سیدمحمدرضا، ۱٤۰۵ق، *مجمع المسائل*، قم: دارالقرآن الکریم.

۷. لکزایی، علی‌رضا، ۱۳۸۷ش، «صدور کارت اعتباری»، *ماهنامه بانکداری الکترونیکی*، تهران: بی‌نا: ش ۵.

۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱٤۱۳ق، *انوارالفقاهه، کتاب‌البیع*، قم: مدرسهٔ امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام.

۹. موسوی‌خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷٦ش، *استفتات جدید*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۰. ــــــــ، ۱٤۱۵ق، *کتاب‌البیع*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم.

۱۱. ــــــــ، بی‌تا، *تحریرالوسیله*، قم: انتشارات جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۲. نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱م، *جواهرالکلام*، ۲۳، تحقیق علی آخوندی، بیروت: داراحیاء التراث العربی هفتم.

۱۳. وحدتی‌شبیری، سیدحسن، ۱۳۸۲ش، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تادیه در حقوق ایران»، *فصلنامه تخصصی اقتصاداسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۲.